

شکاف‌های اجتماعی نوپدید و تحلیل مشروعیت سیاسی؛ با تمرکز بر روندهای راهبردی در ایران امروز (۱۳۹۶ تا ۱۴۰۶)

قدیر نصری*

فاطمه مرسلی**

چکیده

مفهوم شکاف‌های نوپدید اجتماعی (گسست نسلی، فاصله طبقاتی، تمایز هویتی و سبک زندگی) می‌تواند به‌عنوان متغیری مستقل، مشروعیت سیاسی (متغیر وابسته) را به تحلیل براند. نوشته حاضر در پی آن است که سازوکار این تأثیرگذاری و تأثیرپذیری را بررسی کند. پرسش این است که شکاف‌های اجتماعی نوپدید کدامند؟ چگونه عمل می‌کنند و با چه سازوکاری می‌توانند مشروعیت سیاسی را متاثر و متحول نمایند؟ عرصه عینی برای روایت و بررسی این مسأله ایران در بازه زمانی ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۶ است. گمان می‌رود داده‌های توضیح‌دهنده این روند ده ساله از طریق روندپژوهی قابل استخراج است؛ یعنی اتقان قابل دفاع وجود دارد که رگه‌های بنیادین و گفتمان‌ساز این دهه، از هم اکنون در دسترس هستند. فرضیه‌ای که به‌مثابه حدسی حساس و قوی آزمون می‌شود این است که شکاف‌های نوپدید به‌دلیل کارویژه‌های موثر و ساختارهای فراگیر، انعطاف‌پذیر و جیوه‌ای (کنترل‌گریز)، قادرند با تردیدافکنی در مشروعیت سیاسی از یک‌سو و اختلال‌آفرینی در کارآمدی از سوی دیگر، به توقف و استحاله مشروعیت سیاسی آن کمک نمایند. روش یافتن پاسخ و آزمون روایی این فرضیه به سیاق توصیفی تحلیلی خواهد بود. در نهایت، یافته و تذکر کلیدی مقاله آن است که فهم شکاف‌های نوپدید و تمرکز بر مطالبه‌ها و پیچیدگی‌های آنها، نخستین اولویتی است که بایستی در دستور کار سیاست‌گذاری راهبردی قرار گیرد. به سخن دیگر، مواجهه سنتی (کنترل از بالا، عارضی‌پنداری، تغافل و سهل‌انگاری) نمی‌تواند پرتویی بر ماهیت و آهنگ این قبیل شکاف‌ها بیفکند.

کلیدواژه‌ها: شکاف اجتماعی نوپدید، حیات رسانه‌ای شده، سبک زندگی، گسست نسلی، نافرمانی مدنی، تحسین تمایز، تراکم توقعات.

*استادیار علوم سیاسی دانشگاه خوارزمی تهران (نویسندهٔ مسؤل). nasrister@gmail.com
**دانش‌آموخته کارشناسی‌ارشد جامعه‌شناسی سیاسی از دانشگاه تهران. f.morsali@uta.ac.ir
تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۱۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۲/۱

۱. مقدمه و مسأله پژوهش

کمتر جامعه ای را می توان یافت که به اندازه ایران امروز (نیمه دوم دهه ۱۳۹۰)، جنبشی و سیاسی شده باشد. بر خلاف آرای کسانی که جامعه ایران امروز را سیاست زدوده می شمارند این جمله را باید تدقیق نمود. از منظری دیگر، روندی دیگر قابل مشاهده است. یعنی به نظر می رسد که اتفاقاً سیگنالهای سیاستبار در ایران امروز تا بطن جامعه رخنه کرده به گونه ای که می توان ادعا و استدلال کرد که بی اعتنایی به سیاست (مانند تحریم خبر رسمی یا تحریم انتخابات) نیز نه یک عکس العمل حاکی از غیرسیاسی شدن بلکه نوعی کنش رادیکال سیاسی است. پس وجه اول مسأله در نوشته حاضر این است که گویا جامعه جمیع مسئولیت را بار دولت (State) نموده و خود ترجیح می دهد ناظر و داور عملکرد دولت بماند. نفس همین انتظار و مسئولیت خواهی رادیکال همین سیاسی بودن و اجتماعی ماندن است. اما وجه دوم مسأله به بروز و تعمیق شکاف های نو مرتبط است. گرانیگاه این شکاف های نو در دلبستگی نهفته است و نه در مفهوم کلاسیک همبستگی. نکته مرکزی در مفهوم دلبستگی عبارت است از مسئولیت پذیری همه جانبه شهروندی و مشارکت همه جانبه در تسهیم منصفانه ی فرصتها. از این رو، رخداد مخاطره بار این است که شکافهای از پیش موجود، با شکافهای نوپدید ترکیب شده و سوگیری و صبغه سیاسی یافته اند یعنی به نحوی حامل یک رمزینة ی سیاسی (اعم از وفاداری و یا اعتراض) هستند.

توالی و تراکم دو مبحث فوق (رسوخ نگاه سیاسی به اعماق جامعه از یکسو و بروز شکافهای نو با سوگیری سیاسی از سوی دیگر) این است که قطبی شدن متعارف جامعه حول دو بلوک انقلابی / اصلاح طلب نوعی دگرگونی بطی را تجربه می کند و چنین روند نوپدیدی پیش از هر چیز روی حقانیت و مشروعیت سیاسی تاثیر می گذارد. اگر به زبان آمار از استحکام مسأله دفاع کنیم ترجمان ریاضی آن این است که ۸۳ درصد از جکعیت ۸۱ میلیون نفری کشور که در شهرها سکونت دارند، بخاطر حضور زنده و پرشور در فضای مجازی (در زمستان ۱۳۹۷ بالغ بر ۴۳ میلیون ایرانی به تلگرام و ۲۴ میلیون نفر دسترسی به اینستاگرام (بالاتر از ژاپن) دسترسی دارند. از همین تعداد ۸۱ میلیون نفر، بالغ بر چهار میلیون و هشتصد هزار نفر دانشگاهی هستند که در بیش ۲۸۰۰ واحد دانشگاهی تحصیل می کنند. سالانه چهار میلیون ایرانی (منهای سفرهای زیارتی حدود پنج میلیون ایرانی به عراق در اربعین و سایر ایام سال) به کشورهای خارجی سفر می کنند و بیش از ۷۰ درصد ایرانیان خبرها و برنامه های

سیاسی اجتماعی را از کانالهای ماهواره ای دریافت می کنند. این موارد و روندهای مشابه دیگر از بروز یک کلان روند حکایت دارد و آن این است که دگردیسی های اجتماعی در حوزه نسلی / نگرشی (که ما از این پس آنها را شکافهای نوپدید می نامیم) چه تاثیری بر مشروعیت سیاسی دارد؟ آیا نهادهای سیاسی قادرند این روندهای ناهمسو را مدیریت کنند؟

این پیش فرض که در ایران امروز اقسام متنوعی از شکافهای اجتماعی فزاینده و عمق یابنده وجود یافته و فعال شده اند از قرائنی چند برمی خیزد: مشارکت و رقابت در انتخاباتهای عادی بعضاً صبغه امنیتی می یابد، در خواست دولت و مراجع از افراد متمکن جامعه برای انصراف از دریافت یارانه، اقبال عمومی نمی یابد، تبلیغ و توصیه نظام و حاکمیت برای استفاده از پیام رسانهای داخلی و هراس از پیام رسانهای خارجی به نتیجه ای نمی رسد، توصیه و تحسین نوع خاصی از پوشش در جامعه، با مقاومتهایی روبرو می شود و موارد قابل شمارش دیگر که شواهدی هستند بر بروز فزاینده ی شکاف های نوپدید در جامعه امروز ایران.

تمرکز بر شکافهای داخلی یک مولفه مزید دیگر هم دارد: این مولفه موید، از ساحت نظری برخاسته، بدین معنا که تحول پارادایمی مطالعات امنیتی از ساحت استراتژیک (معطوف به استحکامات و ابزارهای نظامی) به ساحت روندپژوهی غیرنظامی نظیر میزان رضایت ملی، برخورداری و بهره مندی، همبستگی و دلبستگی به نظم حاکم. همسو با این تحول پارادایمی، آسیب پذیری داخلی بسیار مهمتر از تهدید خارجی در تولید خطر شده اند یعنی در صورت وجود همبستگی و دلبستگی به ارزش آن، هیچ تهدید خارجی تولید خطر نمی کند. به سخن دیگر، آسیب داخلی بسیار زودتر و بیشتر از تهدید خارجی مشروعیت سوز است. بنابراین امنیت ملی پایدار، هنگامی حاصل می شود که شکافهای اجتماعی بررسی و ترمیم شوند و حاملان این شکافها نسبت به کارآمدی و ساختار حاکم، اطمینان خاطر پیدا کنند. چنانچه یک دولت نتواند شکافهای اجتماعی را تعدیل و مدیریت کند، این شکافها می توانند به جنبشهای اجتماعی تبدیل شده و با همراهی تهدید خارجی، تولید خطر اساسی نمایند.

۲. روش جمع آوری، تحلیل داده‌ها و ادبیات موجود در باب موضوع

در پژوهش حاضر به منظور توصیف صحیح و در نهایت دستیابی به تحلیل معتبر، از تکنیک کتابخانه‌ای بهره گرفته‌ایم. با استفاده از این تکنیک، به مطالعه و استخراج داده

از کلیه کتاب‌ها، مقالات و سایر منابع چاپی که پیرامون شکاف‌های اجتماعی و امنیت ملی پایدار، نگاشته شده‌اند، خواهیم پرداخت. همچنین کلیه مباحثی که به بحث تأثیرات شکاف‌های اجتماعی بر امنیت ملی پایدار می‌پردازند، در پاسخ دهی به سؤالات پژوهش راه‌گشا خواهند بود. علاوه بر این، از روش مشاهده مستقیم نیز بهره خواهیم گرفت. از آنجا که موضوع پژوهش ما کاملاً زنده بوده و هم اکنون در جریان است، بنابراین، جامعه‌شناسی شکاف‌های اجتماعی و پایداری امنیت ملی، یک میدان مطالعه کاملاً پویا و زنده را در اختیار پژوهشگر می‌گذارند تا با مشاهده مستقیم و بدون واسطه، ماهیت آن‌ها و نیز تأثیرات تفسیرها، اهداف، ابزارها و کارگزاران جدید بر امنیت ملی پایدار آشنا شده و داده‌های پژوهشی ارزشمندی کسب نماید.

نهایت این که، برای تجزیه و تحلیل صحیح و آزمون فرضیه، از روش توصیفی-تحلیلی (explanation-Descriptive) استفاده می‌شود. رویکرد مطلوب نویسندگان مقاله، تلفیقی است از هر دو روش توصیفی و تحلیلی، ولی نه لزوماً بدین معنا که سهم دو روش برابر باشد. رویکرد تحلیلی به قضاوت درباره وضعیت موجود و ارزش‌گذاری آن می‌پردازد، در حالی که توصیف‌گراها ارزش‌ها را اموری ثابت می‌دانند که محقق در به‌کارگیری یا نادیده گرفتن آنها مخیر است. در روش تحلیلی، ارزش‌ها را هسته اصلی اختلاف در کشف وقایع و توضیح آنها می‌دانند و مسائل بحث‌برانگیز جزئی را در پرتو ارزش‌های کلان‌تر تبیین می‌کنند، در حالی که توصیف‌گراها می‌کوشند با حداقل مداخله حق قضاوت را برای خواننده به رسمیت بشناسند. همچنین در این پژوهش استفاده از روش تحلیل ثانویه (Meta-Analysis) نتایج پژوهش‌های دیگر نیز مد نظر قرار خواهد گرفت. تحلیل ثانویه، حاصل تحلیل نتایج سایر مطالعات بوده و یک تحقیق را مجدداً مطالعه می‌کند.

اما در باب نوشته‌های موجود در باب این موضوع (شکاف‌های نوپدید اجتماعی و تأثیر آن بر مشروعیت سیاسی) تحقیقاً کار مستقلی منتشر نشده است. البته هستند پاره‌ای از گزارش‌ها که بر ماهیت انباشتی بودن شکافها تأکید دارند (مانند گفتارهای آرش حیدری در سایت شفقتا در تاریخ ۲۵ اسفند ۱۳۹۶) یا تحقیق گسترده‌ی عباس میلانی و دیاموند لاری در کتاب سیاست و فرهنگ در ایران معاصر: به چالش خوانی وضع موجود (۱۹۹۵). در این مجموعه مقاله مفصلی از حسین بشیریه منتشر شده است که شکاف‌های سیاسی در ایران از سال ۱۳۵۷ به بعد را واری کرده و صرفاً به شکاف‌های سیاسی تصریح نموده و از پرداختن به شکاف‌های نسلی و طبقاتی امتناع کرده است. (

(Milani & Larry, 2015, p 15-35) کتابهای حمیدرضا جلائی پور (جامعه‌شناسی ایران: جامعه کژ مدرن، ۱۳۹۲)، محمد رضایی (شکافهای جامعه ایرانی، ۱۳۹۴) و یا متن منتشره از سوی موسسه رند امریکا (Iran political, demographic and economic vulnerabilities) همگی صرفاً به روایت تمایزها و نابرابری در جامع ایرانی پرداخته و تاثیر آن بر مشروعیت سیاسی را مورد کاوش قرار نداده‌اند.

۳. شکاف اجتماعی و اقسام نوین آن

منظور از شکاف‌های اجتماعی (Social Cleavages) عوامل گسستی است که جامعه را از نظر جمعیتی به چند گروه متفاوت تقسیم می‌کند (Lipset, 1967: 98) و این گروه‌بندی‌ها ممکن است شکل‌ها و سازمان‌های سیاسی پیدا کند. به بیان دیگر، شکاف‌های اجتماعی خطوط رقابت و منازعه بر سر هنجارها، باورها، ارزش‌ها، شأن و منزلت، اقتدار و ... اجتماعی هستند (بشیریه، ۱۳۷۴: ۹۹).

جوامع در حال گذار همچون ایران، استعداد بیشتری برای تولید شکاف دارند. این جوامع از طرفی وام‌دار شکاف‌های جامعه سنتی بوده و از طرف دیگر باردار شکاف‌های جامعه مدرن می‌باشند. بنابراین جامعه ایران، جامعه‌ایست با تعدد و تراکم شکاف‌های اجتماعی که شکاف قومی را از جامعه سنتی، و شکاف‌های نسلی، جنسیتی و طبقاتی را از جامعه مدرن برای بررسی انتخاب کردیم.

شکاف قومی (Ethnic Cleavages) به وجود گسست بین قومیت‌ها و سایر جمعیت در چهار حوزه مذهب، زبان، آداب قومی و حافظه تاریخی اشاره دارد. بر پایه این چهار شاخص کلیدی، اقوام ترک، کرد، لر، بلوچ، ترکمن و عرب، دست کم در یکی از شاخص‌ها با اکثریت فارس زبان مشترک نیستند.

یکی از مسائلی که با شکاف قومی هم‌افزایی دارد، سطح پایین توسعه در استان‌های قومیتی نسبت به سایر استان‌های کشور است که از آن تحت عنوان شکاف منطقه‌ای یاد می‌شود. آمارهای موجود و مطالعات گسترده محققان در سالیان گذشته نشان داده که کشور از عدم تعادل فضایی و وجود شکاف منطقه‌ای رنج می‌برد و استان‌های محروم و نسبتاً محروم، تقریباً همان مناطقی هستند که شکاف قومی در آنجا وجود دارد. این یعنی تراکم شکاف قومی و شکاف منطقه‌ای.

پدیده شکاف نسلی (Generation Cleavages) به چگونگی تداوم فرهنگ یک جامعه از نسلی به نسل دیگر مربوط می‌شود. اگر در فرآیند اجتماعی کردن کودکان،

نوجوانان و جوانان، فرهنگ یک جامعه تا حد مطلوبی از نسلی به نسل دیگر منتقل شود، و بازتولید فرهنگی به نحو احسن انجام پذیرد، میزان اشتراک فرهنگی بین دو نسل بسیار بالا می‌رود و اختلاف فاحشی بین دو نسل بوجود نمی‌آید. در مقابل، اگر فرآیند اجتماعی کردن به علل داخلی و خارجی دچار مشکل شود و به طور ناقص انجام پذیرد، و فرهنگ جامعه در حد مطلوبی به نسل بعد منتقل نشود، تداوم فرهنگی جامعه دچار مشکل می‌شود و بین نسل جدید و قدیم فاصله و شکاف می‌افتد. معمولاً فاصله نسلی به اختلافات مهم بین دو نسل در تجربه، ارزش‌ها، هنجارها، به طور کلی به اختلاف و شکاف فرهنگی قابل توجه بین دو نسل گفته می‌شود. مثلاً فاصله نسلی را فرهنگ آکسفورد، اختلاف در نگرش یا نبودن تفاهم و درک متقابل بین جوانان و افراد مسن تعریف کرده است (Oxford, 1998: 492).

مؤلفه‌های متعددی در تشخیص هرگونه شکاف یا گسست نسلی قابل مشاهده است، از جمله موارد کاهش ارتباط کلامی میان نسل بالغ و جوان، اختلال در فرآیند همانندسازی و عدم تبعیت کامل فرزندان از والدین، تغییر گروه مرجع جوانان، کاهش فصل مشترک‌های عاطفی میان نسلی، عدم تعهد به فرهنگ نسل پیشین، نابردباری و کاهش تسامح، تساهل و تحمل میان نسل‌ها.

شکاف جنسیتی (Gender Cleavages) نیز به وجود گسست‌های اجتماعی و فرهنگی بین زنان و مردان اشاره دارد که با چهار شاخص مشارکت و فرصت اقتصادی، دستیابی به آموزش، بهداشت و بقاء و توانمندسازی سیاسی سنجیده می‌شود.

شکاف طبقاتی (Class Cleavages) به نابرابری در توزیع درآمد یا ثروت گفته می‌شود. در شاخص ضریب جینی که نشان دهنده این شکاف است، ایران در سال ۲۰۱۷ با نمره ۳۸/۳ در رتبه ۶۸ جهان قرار گرفته است. که این آمار رتبه و وضعیت کلی کشور را از نظر شکاف‌های درآمدی میان افراد جامعه در میان کشورهای مختلف نشان می‌دهد (شورای نویسندگان، ۱۳۹۶: ۱۸۲).

بنابراین شکاف‌های قومی، نسلی، جنسیتی و طبقاتی از جمله شکاف‌های فعال و مؤثر در ایران می‌باشند که با توجه به تغییرات اجتماعی گسترده بویژه گسترش استفاده از رسانه‌های نوین دچار تکان‌های شدیدی شده‌اند.

بر این اساس، اگر تنوع اجتماعی امری فراگیر و درازآهنگ بوده است پس مقصود از شکاف اجتماعی جدید چیست؟ بدون تلخیص ادبیات غنی‌ای که در این زمینه موجود است و به اختصار تام می‌توان گفت که واژه جدید بعنوان معادل New، در

فرهنگ معین به معنی تازه، تازگی، جدیداً، اخیراً و بدیع (فرهنگ معین، ۱۳۷۱: ۱۰۰۴) آمده است. واژه نو سه مشخصه تازگی تقویمی، نگاهی جدید به مفاهیم قدیم و بررسی مسائل جدید دارد. یعنی چیزی نو است که یا اخیراً پدیدار شده باشد (مانند جنبش حمایت از محیط زیست)، یا به مباحث جدید معطوف باشد (مانند شبیه سازی انسان و دستکاری در ژنتیک) و یا تفسیری نو از مفاهیم قدیمی (مانند تفسیر جدید از حقوق بشر و گذر از مفهوم همبستگی به مفهوم دل‌بستگی) ارائه نماید. بر این اساس، مقصود پژوهش ما از واژه نوپدید یا نوین، به پدیده‌ای اطلاق می‌شود که در قانون اساسی، نهادهای قانونی، سنت جاری و رویه‌های عرفی در خصوص آن تدبیر نشده است. به عبارت دیگر یک شکاف اجتماعی هنگامی نوپدید می‌شود که یک یا چند خصیصه زیر را داشته باشد:

- ارائه تفسیری جدید و کاملاً متفاوت در مورد شکاف‌های سنتی یا از پیش موجود
- تجویز سازوکار و ابزارهای جدید و بی‌سابقه برای صیانت از تمایز یا شکاف
- هدف‌گذاری جدید برای تجدیدنظر در نظم و وضع موجود
- ابداع کارگزار یا متولی جدید برای پیش‌بری ممیزه‌های ویژه یک گروه (جنسیت، قومیت، نسل و یا طبقه و طیف هدف)

پس شکاف‌های اجتماعی نوپدید ویژگی‌هایی دارند که آنها را کاملاً از شکاف‌های اجتماعی پیشین متمایز می‌سازد. به عبارت دیگر، آنها تفسیر، اهداف، ابزارها و کارگزاران جدید دارند و از آنجا که این ویژگی‌ها خصالتی فرهنگی دارند، پس شکاف‌های نوپدید، ماهیتی فرهنگی و نرم‌افزارانه دارند. از طرف دیگر، تازگی شکاف‌های اجتماعی نوپدید، نتیجه ظهورشان در متن یک صورت‌بندی جدید اجتماعی است؛ به عبارت دیگر آنها جدید تلقی می‌شوند چرا که نمونه و نمادی از روابط اجتماعی و سیاسی جدید هستند و در جامعه‌ای ایجاد می‌شوند که دارای تغییرات اجتماعی - فرهنگی گسترده و سریع است.

در یک کلام، مقصود از شکاف‌های اجتماعی نوپدید، همان شکاف‌های اجتماعی از پیش موجود یعنی شکاف قومی، شکاف نسلی، شکاف جنسیتی و شکاف طبقاتی است که تفسیر جدید، اهداف جدید، روش‌ها و ابزارهای جدید و کارگزاران جدید دارند. به عبارت دیگر شکاف‌های اجتماعی از پیش موجود هنوز از بین نرفته‌اند، فقط کارکرد، اهداف و روش‌های جدیدی یافته‌اند.

حاملان این شکاف‌ها، به جای مبارزه مخفی بر خود/برازری تمرکز دارند. یکی از

نمودهای آشکار و واضح شکاف های نوین، مسئله خودابرازی در سبک زندگی است. بدین معنا که حاملان شکاف های نوپدید به جای مبارزات مخفی، به نمایش علنی سبک زندگی، و از این طریق به ایجاد خط تمایزی میان خود و دیگران می پردازند. طبق استدلال پیر بوردیو، سبک زندگی افراد، پیام هایی درباره سطح ثروت، موفقیت و شأن و منزلت آنان به جامعه صادر می کند (بنت، ۱۳۸۶: ۱۰۰). بوردیو با مفهوم فضای اجتماعی، سبک های زندگی مختلف را نشان می دهد. فضای اجتماعی به این ترتیب ساخته می شود که عاملان و گروه های اجتماعی بر اساس حجم و میزان سرمایه اقتصادی و سرمایه فرهنگی با برخی افراد اشتراکاتی می یابند و با برخی دیگر فاصله پیدا می کنند (بوردیو، ۱۳۸۰: ۳۳).

با پایان یافتن جنگ تحمیلی کم کم شاهد تأثیرپذیری بیشتر مردم از جریان های جهانی و بین المللی بوده ایم و این امر به تدریج بر سبک زندگی مردم نفوذ کرده و باعث ظهور جامعه مصرفی و شیوه های زندگی جدید شده است. جهت گیری و تمایل مردم به سوی فرهنگ مصرفی باعث شده فرد برای اینکه تشخیص و منزلت پیدا کند، باید متمایز بودن خودش را به نمایش بگذارد. کالاهای بسیاری را می توان نام برد که افراد با مصرف آن ها خود را از دیگران متمایز و برای خود سبک زندگی و ذائقه های خاص تعریف می کنند. تمایزگذاری کارگزاران این شکاف ها، در حوزه های مصرف، تغذیه، پوشاک، تفریح و اوقات فراغت، تشکیل خانواده و ازدواج و مدیریت بدن مشخص می گردد.

۴. تغییرات اجتماعی و تشدید شکاف های اجتماعی در ایران

بعد از انقلاب اسلامی، تغییرات مهمی در عرصه اجتماعی و فرهنگی کشور اتفاق افتاده است که این تغییرات تا حدی باعث شدند که معیارهای شکاف های اجتماعی با عصر پیش از خود تفاوت هایی داشته باشند. رشد فزاینده استفاده از تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات، اولین تحول است که آمار منتشر شده بر روی وب سایت آمار جهانی اینترنت نشان می دهد تعداد کاربران اینترنت ایران در سال ۲۰۰۰، ۲۵۰ هزار نفر بوده که در سال ۲۰۱۸، ۶۵ میلیون نفر شده است. با توجه به جمعیت ۸۱ میلیونی ایران در سال ۲۰۱۷ می توان گفت که اکثر نقاط کشور تحت

پوشش اینترنت رایگان می باشد. نکته قابل توجه آنکه نسل جوان بیشترین کاربران اینترنت هستند. (سواد نسلی). بر اساس آمار، ضریب نفوذ اینترنت در بازه سنی ۲۰ تا

۲۹ سال که گروه سنی جوان را شامل می‌شود، در سال ۱۳۸۹، ۲۹/۴ درصد و در سال ۱۳۹۷ بیش از ۹۰ درصد است که کاربران این گروه سنی ۵۳/۲ درصد کل کاربران اینترنت در کشور را در بر می‌گیرد (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵: ۲۰).

یکی از پرکاربردترین و فراگیرترین وب سایت های اینترنتی، شبکه های اجتماعی مجازی می باشند که محصول فناوری های وب ۲ بوده و امکان مشارکت کاربر در تولید محتوا و به اشتراک گذاری اطلاعات را فراهم می آورند. در حال حاضر صدها شبکه اجتماعی مجازی وجود دارد که برخی از رایج ترین و پرکاربردترین آنها عبارتند از: فیس بوک، توئیتر، وایبر، واتس آپ، تلگرام (طبق اعلام مرکز تنظیمات رادیویی در سال ۱۳۹۷ یعنی تنها چند روز قبل از فیلترینگ تلگرام، ایرانی ها بیش از ۶۲۶ هزار کانال تلگرامی دارند)، وی چت، لاین، اینستاگرام، گوگل پلاس، لینکدین، مای اسپیس و ... که بر طبق آمار یکی از معتبرترین مراکز امتیازدهی به سایت های اینترنتی به نام آلکسا، رتبه ایران در شبکه در تلگرام، اول در دنیاست.

تحول دیگر، تغییر نرخ جمعیت و جوانی کشور است. به استناد آمارهای ملی، جمعیت کشور در سال ۱۳۵۷، ۳۶ میلیون نفر بوده که در سال ۱۳۹۵ به ۸۱ میلیون نفر رسیده است. این یعنی جمعیت کشور در طول این سه دهه، تقریباً بیش از دو برابر شده است (مرکز آمار ایران، برآورد تعداد جمعیت کل کشور). افزایش شهرنشینی را به عنوان عامل سوم تحولات جمعیتی و اجتماعی در ایران است که از ۶۱/۳ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۷۱/۴ درصد در سال ۱۳۹۰ و به ۸۱ درصد در سال ۱۳۹۵ رسیده است (مرکز آمار ایران، برآورد جمعیت کل کشور). بدیهی است ارزش های پدرانی که دوران قبل از بلوغ خود را در روستاها و شهرهای کوچک سپری کردند، با ارزش های فرزندان شان که در شهر بزرگ شده اند، تفاوت خواهد داشت.

ارتقای سطح سواد و تحصیلات از دیگر مؤلفه های تغییر اجتماعی در ایران است. آمارها نشان می دهد که در سال ۱۳۵۵، ۴۷/۵ درصد جمعیت ایران را با سوادان تشکیل می دادند. این رقم در سال ۱۳۷۵ به ۷۹/۵ درصد و در سال ۱۳۹۰ به ۸۴/۷ درصد جمعیت کشور رسیده است (مرکز آمار ایران، میزان باسوادی جمعیت ۶ ساله و بیشتر کشور). طبیعی است که خواسته ها و دیدگاه های افراد باسواد با افراد کم سواد متفاوت است.

همچنین حضور چشمگیر زنان و دختران در جامعه، تغییر مهم و تأثیرگذار دیگر جامعه ایران است. با افزایش نقش پذیری اجتماعی زنان، جامعه شاهد طرح مطالبات و

حقوقی از سوی زنان است که روابط جدیدی را بر جامعه تحمیل و درک از زن و درک از خود را دچار دگرگونی کاملی خواهد کرد.

در نهایت، رشد طبقه متوسط آخرین تغییر اجتماعی در ایران می‌باشد. با توجه به نتایج طرح‌های پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، بالای ۵۰٪ از افراد جامعه خود را به لحاظ ذهنی جزو طبقه متوسط می‌دانند. حجم طبقه متوسط در هر جامعه‌ای با تغییرات متعدد اجتماعی همراه است و به مرور ارزش‌ها، ملاک‌ها، معیارها و الگوهای خاصی که از جانب اقشار وابسته به این طبقه در جامعه منتشر می‌شود، به عنوان الگوهای غالب مورد پذیرش اجتماعی قرار می‌گیرد.

جوامع دستخوش دگرگونی به بیان نظریه پردازانی چون ساموئل هانتینگتون، در معرض میزان بیشتری از گسیختگی اجتماعی و خشونت و نااستواری‌اند (هانتینگتون، ۱۳۷۰: ۵۵ و ۵۴). بنابراین تغییرات گسترده فوق، موجب رشد و تراکم خودآگاهی‌های کنشگران شکاف‌های اجتماعی از پیش موجود و نیز ظهور شکاف‌های نوپدید شده است.

۵. سازوکارهای تأثیرگذاری شکاف‌های اجتماعی نوپدید بر مشروعیت سیاسی

مشروعیت عبارت است از این که مردم با استناد به قانونی که خودشان در وضع، اصلاح و تغییر آن مختارند، حکومت را حق حکام تلقی کنند. این مفهوم همواره محل بحث بوده است اما در نظریه جدید سیاسی جایگاهی استراتژیک یافته است برای این که نخستین بار است که مردم به مرجع مشروعیت بدل شده‌اند و رضایت مردم همان جایگاهی را یافته که فره ایزدی و قدرت الهی و اشرافی شاهان در نظریه‌های قدیم. در عصر جدید، نخستین بار ماکس وبر مفهوم مشروعیت را به صورت مفهومی عام بیان کرد. به عقیده او، مشروعیت بر باور مبتنی است و از مردم اطاعت می‌طلبد. قدرت فقط وقتی مؤثر است که مشروع بوده باشد. به سخن دیگر مشروعیت کیفیتی است که قدرت خالص را به صورت اقتدار قانونی در می‌آورد؛ مشروعیت به نظم یا فرمان خصلتی اقتدارگرایانه یا الزام‌آور می‌دهد و تضمین می‌کند که نه به دلیل ترس بلکه بر اساس وظیفه از آن اطاعت شود (هیوود، ۱۳۸۹: ۲۰۹). البته مشروعیت نه صرفاً به قانونیت دولت از نظر حقوقی، بلکه به پذیرش اجتماعی آن از جانب اتباع مربوط می‌شود (بشیریه، ۱۳۸۴: ۴۲).

نوع سیاسی یا مشروعیت سیاسی (Political Legitimation) هم عبارت است از پذیرش آگاهانه و آزادانه رژیم سیاسی توسط اکثریت قاطع جمعیت یک واحد سیاسی. در ادبیات سیاسی، مشروعیت یا ناشی از میراث سنتی است یا برآمده از خصایص کاریزمایی یک رهبر و یا اینکه به واسطه قانون تأمین می‌شود. رژیم‌های برآمده از این سه منبع را به ترتیب می‌توان رژیم‌های سنتی، کاریزمایی و دموکراتیک نامگذاری کرد. به رغم تنوع منابع مشروعیت، در حال حاضر متداول‌ترین و قوی‌ترین شکل مشروعیت سیاسی، نوع قانونی آن است. مشروعیت سنتی و کاریزمایی بنا به دلایل متعدد ساختاری و کارکردی، استعداد امنیت‌زایی پایدار ندارند و فقط می‌توانند به عنوان مقدمه و یا مکمل مشروعیت سیاسی دموکراتیک مورد توجه باشند (نصری، ۱۳۹۰: ۱۶۹-۱۷۰).

رژیم سیاسی مشروع از توان بازدارندگی زیادی در مقابل جنگ داخلی، انقلاب و حمله خارجی برخوردار است، چنین رژیمی می‌تواند با استفاده از پشتیبانی مؤثر و مداوم مردم با انواع بحران‌های اقتصادی و فقر منابع طبیعی مقابله نموده، زمینه را برای مداخله و بهره‌گیری قدرت‌های همسایه و فراملی از بین ببرد (مارتین، ۱۳۸۳: ۱۰۵). داشتن مشروعیت بالا به رژیم حاکم کمک می‌کند تا به راحتی درباره اهداف ملی و وسایل مربوط به آن تصمیم‌گیری و منابع داخلی و خارجی متناسب را برای تحقق آن اهداف استخدام نماید. وفاداری مداوم، فراگیر و پایدار شهروندان به حکومت حاکم، ضمن کاستن از هزینه‌های اضافی، تهدیدات خارجی را خنثی و بر مرجعیت حکومت حاکم می‌افزاید.

اما اگر توده مردم به مشروعیت رژیم حاکم ایمان نداشته باشند، ممکن است رژیم در گرداب جنگ داخلی گرفتار شود، توان نظامی آن به تحلیل برود و دشمنان خارجی با استفاده از فرصت پیش رو، ناآرامی‌های داخلی را دامن زده و یا به طور مستقیم در آن کشور مداخله کنند. علاوه بر این، جنگ داخلی می‌تواند امنیت کشورهای مجاور را زیر تأثیر قرار داده و آنها را به پایگاه شورشیان و منبع تدارک حرکات قومی و سیاسی تبدیل کند. همچنین رژیم ضعیف از نظر مشروعیت سیاسی، در چانه‌زنی با کشورهای همسایه و غیر همسایه همواره موضع ضعیفی دارد و استعداد آن برای ائتلاف با رژیم‌های مشروع بسیار اندک است (نصری، ۱۳۹۰: ۱۷۰).

حکومت نامشروع که همواره پایه‌های قدرت خود را متزلزل می‌بیند، همه تحولات عادی را امنیتی و هر حرکتی را نوعی توطئه دیده و همواره درصدد کنترل توطئه بر می‌آید. چنین حکومتی، عمداً و عملاً بی‌اعتمادی در جامعه را دامن می‌زند و فقط به

نیروهایی که به صورت فوری، عملیاتی و عینی وفادار هستند، امتیاز می‌دهد. همچنین حکومت‌های نامشروع، با بسیج منابع ملی برای تأمین و تضمین امنیت حکومت خود، منافع ملی را به منافع حکام فرو می‌کاهند. علاوه بر این، رژیم‌های آسیب‌پذیر معمولاً به حمایت و تطمیع طبقه‌ای خاص پرداخته و منابع ملی را به صورت تبعیض‌آمیزی توزیع می‌کنند. این امر ضمن ایجاد دودستگی در جامعه، توجه سرویس‌ها و قدرت‌های برانداز را جلب و آنها را تشویق می‌کند از طریق سرمایه‌گذاری روی گروه‌های هدف، حکومت را زیر فشار قرار دهند. این اقدام نیروی فراملی، سوء ظن حکومت را بیشتر کرده و تبعیض علیه مخالفان و تعقیب آنها را شدت می‌بخشد (گروه مطالعاتی امنیت، ۱۳۸۷: ۶۳-۶۲).

باید اشاره کرد که اگر وضعیت مشروعیت یک نظام سیاسی در خطر افتد، آن نظام با بحران روبرو می‌شود. اگر جامعه دچار بحران مشروعیت شود، در نظام اجتماعی موجود هم تغییراتی به وجود می‌آید. بنابراین، بحران مشروعیت بحران تغییر است (عالم، ۱۳۸۶: ۱۰۸). همچنین اگر به هر دلیل درونی یا بیرونی، رفتارهای حکومت، توجیه‌پذیری خود را از دست بدهد، شرایط تهدید مشروعیت قابل بررسی می‌باشد. و یا اگر حکومت یا دولتی نتواند به اهداف خود دست یابد، فلسفه وجودی و به تبع آن مشروعیت خود را از دست می‌دهد (کامل السعید، ۱۳۸۳: ۱۰۳). حتی ناکامی در برآورده ساختن نیازهای مردم، به ویژه نیازهای اولیه آنها، مشروعیت را مخدوش می‌کند (آزر و مون، ۱۳۷۹: ۱۲۱-۱۲۰).

از آنجا که هر نظام سیاسی برای توجیه مشروعیت خود به مبانی خاصی استناد می‌کند، در صورتی که مبانی مشروعیت‌ساز دیگر در کنار مبنای موجود مطرح شود و این مبانی توان رقابت و توسعه نیز داشته باشند، باید منتظر چالش مشروعیت در نظام موجود بود. شاخص‌هایی که به طور متعارف برای سنجش مشروعیت به کار می‌روند عبارتند از: آزادی انتخاب کردن و انتخاب شدن، حق رأی همگانی، حق مراجعه به دادگاه صالحه، آزادی گردش سرمایه‌های فکری و مالی، حق تجمع و تشکیل حزب سیاسی، برابری شهروندان و گردش مسالمت‌آمیز قدرت (کامل السعید، ۱۳۸۳: ۹۵).

بنابراین از جمله تأثیرات شکاف‌های اجتماعی نوپدید می‌توان به عدم مشارکت سیاسی در انتخابات، کاهش حمایت سیاسی، گرایش به فرد یا جناح خاص در انتخابات، نافرمانی مدنی در پوشش و حجاب، مشروعیت جدید در مقابل نمادهای مشروعیتی، تعارض قدرت فرهنگی با تبلیغات دستگاه‌های فرهنگی، مصرف صنایع

فرهنگی وارداتی، رواج الگوی مصرف نامناسب و افزایش استفاده از رسانه‌های نوین اشاره داشت:

۵-۱. بی‌تفاوتی سیاسی و تحریم انتخابات

با توجه به اینکه در نظام‌های مردم‌سالار، مشارکت به طور طبیعی با مشروعیت ارتباط دارد، رشد سهم دخالت‌های دولت در مقابل اشخاص و گروه‌های غیردولتی، کاهش نرخ شرکت کنندگان در انتخابات و اعلام یا اقدام فراگیر و غیرمتعارف مبنی بر عدم مشارکت (مانند تحریم انتخابات) می‌تواند علاماتی منفی برای حوزه مشروعیت و نفوذ حاکمیت نیز باشد (گروه مطالعاتی امنیت، ۱۳۸۷: ۱۹۷ و ۱۹۸). برای مثال، شکاف‌های قومی با عدم مشارکت سیاسی در انتخابات و یا با تظاهرات و اعتصابات، مشروعیت سیاسی رژیم را مختل می‌کنند.

نتایج پژوهش میدانی - تحلیلی «بررسی روند مشارکت شهروندان استان کردستان در انتخابات ریاست جمهوری ۱۴-۱۳۷۶» که از بین ۳۳۲ نفر از دانشجویان و اساتید دانشگاه ساکن استان کردستان پرسش و در بهار ۱۳۹۰ فصلنامه ژئوپلیتیک به چاپ رسیده، به خوبی مؤید این ادعاست. طبق این مدرک، ضریب مشارکت در استان کردستان به صورت معنی داری از سطح کشور فاصله دارد و به طور میانگین ۲۸ درصد پایین‌تر از ضریب مشارکت ملی است.

طبق این پژوهش، مشارکت انتخاباتی یکی از حلقه‌های پیوند قومیت‌ها و حکومت‌ها است که رسانه‌ها، حقوق شهروندی، تحولات سیاسی، تغییر و تحولات کردستان و مؤلفه‌های اقتصادی، از عوامل سیر نزولی مشارکت سیاسی مردم در انتخابات هشتم و نهم ریاست جمهوری بوده است. که مهم‌ترین متغیر تأثیرگذار، متغیر تحولات سیاسی با ضریب همبستگی برابر ۸۵٪ است. اولویت بعدی مربوط به متغیر حقوق شهروندی (۸۲٪) و در ادامه ترتیب متغیرهای اصلی تأثیرگذار بر کاهش مشارکت عبارت است از: متغیر اقتصادی (۶۲٪)، تغییر و تحولات کردستان عراق (۶۱٪) و رسانه‌ها (۳۷٪) (غفاری و زرین کاویانی، ۱۳۹۰).

۵-۲. افول حمایت سیاسی

فرهنگ مصرف‌گرایی که روزه روز توسط رسانه‌های جمعی در حال گسترش است، در کنار پیامدهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، نتایج سیاسی نگران‌کننده‌ای به بار

می‌آورد و فشار را بر نظام سیاسی وارد خواهد کرد. به ویژه کاهش حمایت سیاسی از جمله پیامدهای بارز رشد مصرف‌گرایی خواهد بود. به این صورت که اگر مصرف‌گرایی را در سطح روانی، رشد انتظارات مصرفی و رفاهی فرض کنیم، زمانی که افراد به سبب ناتوانی در برآوردن این انتظارات احساس ناکامی و محرومیت کنند، عمدتاً نظام سیاسی را - با توجه به ذهنیت تاریخی و ساختار سیاسی فرهنگی جامعه ایران - سبب ناتوانی خود در برآوردن انتظارات رفاهی می‌دانند. در نتیجه، احساس محرومیت ناشی از ناتوانی در برآوردن انتظارات مصرفی، میزان حمایت و پشتیبانی فرد از حاکمیت سیاسی را کاهش خواهد داد.

۳-۵. مقاومت و نافرمانی مدنی در برابر قوانین

کارگزاران شکاف‌های جنسیتی که غالباً از زنان می‌باشند، با نافرمانی مدنی در حوزه پوشش و حجاب، و تولید ارزش‌های جدید، هنجارهای مذهبی نظام سیاسی را زیر سؤال برده و مقبولیت آن را خدشه‌دار می‌کند. مطالعه میدانی در فصلنامه **جامعه‌شناسی کاربردی** شماره ۴۷ با عنوان «گرایش به حجاب و سبک‌های متفاوت زندگی: مطالعه موردی زنان شهر شیراز» در پاییز ۱۳۹۱ منتشر شده است. یافته‌های این پژوهش که از جامعه آماری ۵۰۸ نفر از زنان بین سنین ۱۵ تا ۶۴ سال در نواحی هشت گانه شهر شیراز به دست آمده، نشان می‌دهد رابطه معنادار مثبتی میان هویت مذهبی و سبک زندگی مذهبی وجود دارد. متغیرهایی مانند تصور از بدن، مدیریت بدن، فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی، فعالیت‌های ورزشی، موسیقی مدرن، سبک مشارکت مدرن، سبک فراغتی جدید، رابطه منفی با گرایش به حجاب دارد (شورای نویسندگان، ۱۳۹۱: ۱۷۵).

د. ابداع سبک زندگی غیررسمی، معارض و آشکار

سبک زندگی متفاوت، نوعی مقاومت است در برابر گفتمان رسمی. این قسم اعلام حضور از آن جهت مهم است که کرداری اختیاری است و عقبه خصوصی دارد. تمایل به سبک‌های زندگی جدید نوعی گرایش غیرسنتی و حتی ضد سنتی را دنبال می‌کند. این موضوع برای جوامعی که دارای بنیان‌های سنتی هستند، مانند جمهوری اسلامی ایران، زمینه نوعی تهدیدزایی را افزایش می‌دهد. در مطالعه‌ای میدانی که در فصلنامه تحقیقات فرهنگی شماره ۴ با عنوان «بررسی سبک زندگی جوانان در شهر تهران و عوامل مؤثر بر آن» از حجم نمونه ۴۰۰ نفر انجام شد، چهار نوع سبک زندگی زیبایی‌شناختی - لذت جویانه^۱، کارکردگرایانه^۲، خرده فرهنگی^۳ و انفعالی^۴ زمینه یابی و شناسایی شدند که بر اساس نمرات میانگین انواع سبک زندگی، بیشترین میانگین در

سبک زندگی لذت جویانه و کمترین میانگین مربوط به سبک زندگی منفعلانه بوده است. بعبارت دیگر ۵۳٪ جمعیت نمونه دارای سبک زندگی لذت جویانه به میزان بالا و ۶۷/۸٪ جمعیت نمونه دارای سبک زندگی کارکردگرایانه متوسط بوده‌اند (زارع و فلاح، ۱۳۹۱).

سبک زندگی جدید نوعی مشروعیت جدید در مقابل نمادهای مشروعیتی ایجاد می‌کند که می‌تواند به مثابه کدهای رقیب مشروعیتی در جامعه مطرح گردد. آنچنان که، زمینه روابط اجتماعی، روابط خانوادگی و پیوندهای اجتماعی، دیگر همانند گذشته مبتنی بر باورهای خاص نیست، بلکه تابعی از سبک زندگی است و افراد و گروه‌ها با کسانی در زندگی روزمره معاشرت دارند که دارای سبک زندگی مشابه باشند و این خود نوعی مشروعیت جدید برای روابط اجتماعی ایجاد می‌کند که در مواردی رقیب مشروعیت‌های از پیش موجود است.

سبک زندگی متفاوت هنگامی اهمیت مضاعف می‌یابد که به این موضوع توجه شود که سبک زندگی افراد و گروه‌هایی که با هم همسانی بیشتری دارند، نوعی قدرت فرهنگی هم افزا نیز ایجاد می‌کند. مکان‌های خاص، فروشگاه‌های خاص، محصولات فرهنگی مشخص و تفرج‌گاه‌های خاص، زمینه را برای شکل‌گیری نوعی قدرت فرهنگی و ترویج آنها در بازار به واسطه وجود تقاضا فراهم می‌کند. این روند ممکن است متفاوت از روالی باشد که عرف جامعه است یا دستگاه‌های فرهنگی جامعه در صدد تبلیغ آنها هستند.

۴-۵. تاسیس کمپین و موج‌آفرینی به نفع جناح یا فرد خاص در انتخابات

سبک زندگی در شیوه‌های جدید می‌تواند به نوعی قدرت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی با سلیقه‌ها، عادات، علایق و گرایش‌های مختلف تبدیل شود و در مراسم‌ها و آیین‌های عمومی و ملی، همانند انتخابات به سمت و سوی جناح یا فرد خاصی رفته و یا آنها را برای جمع آرا به سوی خود جلب کند که در صورت موفقیت، از توان چالش‌گری بیشتری با روایت حاکم نیز برخوردار خواهد بود.

۵-۵. مصرف صنایع فرهنگی وارداتی

همچنین می‌توان تولید فرهنگ و مصرف صنایع فرهنگی جوانان را که یکی از عناصر سازنده هویت اجتماعی آنان بوده و غالباً وارداتی و بیگانه است، را به عنوان یکی دیگر از مقولاتی که مشروعیت سیاسی رژیم را زیر سؤال می‌برد، در نظر گرفت. به عنوان مثال فیلم‌های هالیوودی و موسیقی غربی که فرهنگ و سبک زندگی غربی را ترویج

می‌کنند، در میان قشرهای مرفه طرفداران زیادی دارد. این محصولات که متضمن باورهای معارض است، اعتقادات و باورهای ملی را خدشه دار می‌کند و مشروعیت سیاسی را مختل می‌کند. همچنین رفتارهای معارض با هنجارهای ملی مانند نافرمانی مدنی، علامت و نشانه‌ای از تهدید نسبت به آن ارزش‌ها می‌باشد. برای مثال تغییر الگوی تشکیل خانواده و یا افزایش روابط دختر و پسر قبل از ازدواج که در سبک زندگی جدید موجود است، از مظاهر تهدید علیه مشروعیت و هویت ملی می‌باشد. انتقال و تثبیت الگوهای مصرفی نامناسب توسط شرکت‌های چندملیتی و بازارهای جدید، در ابتدا موجب عدم مقبولیت الگوی مصرفی مطلوب و معیار شده و سپس مشروعیت آن را از بین می‌برد. این شرکت‌ها، علاوه بر تأثیرات سوء اقتصادی جبراً و حتی گاه عمداً موجب تغییر الگوهای فرهنگی جوامع هدف می‌شوند. تغییر لباس و ایجاد گرایش‌های مصرفی در قالب انواع مختلف لوازم پوششی و آرایش، پیرگاردین و شارل ژردن، از یکسو و گرایش‌های غذایی از سوی دیگر، در قالب ایجاد تمایل برای نوشابه‌ها و رستوران‌های غذایی آمریکایی، چون مرغ سوخاری و انواع برگرها است. این گرایش‌ها علاوه بر اثرهای سوء وابستگی اقتصادی، موجب تغییر و تحریف سنت‌ها و فرهنگ بومی جامعه، و نهایتاً روحیه عدم اعتماد به فرهنگ ملی هم می‌شود (سیف زاده، ۱۳۸۸: ۱۳۹).

۵-۶. بهره‌گیری گسترده از ابزارهای ارتباط نوین برای خودابرازی و افشای رقیب
 اینترنت به مثابه تربیونی برای افراد و گروه‌های به حاشیه رانده شده، جوان‌ترها و گروه‌های سیاسی معترض، برانداز و اقلیت، می‌تواند به تضعیف حاکمیت کمک کند. گروه‌های مورد نظر از این طریق به جوسازی، بیان اطلاعات تحریف شده، بیان سرکوب‌های صورت گرفته، اعلام فسادهای سیاسی، اقتصادی و تبعیض‌ها و ... بر علیه نظام سیاسی اقدام می‌نمایند. عدم اعتماد به رسانه ملی و سایت‌های داخلی، یکی دیگر از تأثیرات شکاف‌های نوپدید بر مقبولیت و نیز مشروعیت می‌باشد.

مطالعه میدانی که در فصلنامه **جامعه‌شناسی کاربردی** شماره ۴۶ با عنوان «عوامل مؤثر بر دوستی دختر و پسر در بین جوانان شهر شیراز با تأکید بر فرآیند جهانی شدن» که در تابستان ۱۳۹۱ و از مطالعه ۵۳۱ دختر و پسر جوان شیرازی منتشر شده، نشان می‌دهد میزان استفاده از رسانه‌های نوین بر گرایش جوانان به دوستی با جنس مخالف تأثیر فراوانی دارد (شورای نویسندگان، ۱۳۹۱: ۱۷۵).

مشکل کاهش مشروعیت دولت از آنجایی ناشی می‌شود که حکومت‌ها مایل هستند اجتماعات انسانی با دیدگاه‌ها و ارزش‌ها و جهان بینی‌های مشابه خود آن تولید شده و فعالیت نمایند. هدف این نگاه این است که همه شهروندان امور سیاسی، فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی را از دیدگاه منافع حکومتی بنگرند، به عبارت بهتر، ایدئولوژی نقش یک فیلتر را در سیستم‌های ارتباطی ایفا می‌کند، اما مشکل این است که فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی در اثر جهانی شدن ارتباطات، منابع اطلاع رسانی متنوع و متعددی را به صورتی مستقل و آزادانه در اختیار شهروندان قرار می‌دهد. در این صورت شهروندان در نتیجه ارتباط با دیگر هموعان خویش در سرتاسر دنیا راه جدیدی را برای هویت بخشی جستجو می‌کنند، به طوری که با اطمینان می‌توان گفت مبنای هویت بخشی سیاسی مرسوم دولت ملی فرسوده شده و پیوند دولت و ملت مشروعیت خود را از دست می‌دهد.

۶. نتیجه‌گیری

با فرض این که خطر یا وضعیت خطیر مساویست با تقارن آسیب پذیری داخلی + تهدید خارجی، آنگاه مشروعیت سیاسی که از رهگذر رضایت ملی پایدار حاصل می‌آید روح امنیت پایدار را شکل می‌دهد. استوار بر این فرض، سوال اساسی این نوشته آن بود که آیا بین دو متغیر شکاف‌های نوپدید (به عنوان متغیر مستقل) و مشروعیت سیاسی (به عنوان متغیر وابسته) همبستگی وجود دارد یا نه. و اگر ارتباطی برقرار است مکانیسم این ارتباط چگونه است. برای یافتن پاسخی روا و موجه برای این پرسش، ابتدا هر دو مفهوم مستقل و وابسته را تعریف عملیاتی کردیم و بعد از ملاحظه نسبت موثر بین این دو متغیر بدین نتیجه رسیده ایم که:

اولاً با پدیداری شکاف‌های نو در عرصه اجتماعی از یکسو و تحول ساختاری و دگرگونی کارکردی این شکاف‌ها، مشروعیت سیاسی حکومت و حتی امنیت ملی پایدار به‌طور شگرفی از محل شکاف‌های اجتماعی متاثر می‌شود که اصلی‌ترین آنها عبارتند از:

الف. حاملان شکاف‌های اجتماعی و بخصوص نخبگان گروهی می‌توانند با بهره‌گیری از احتیاج حکومت به مشارکت سیاسی، مطالبات اعضای جامعه (مانند پیروان یک مذهب یا متعلقین به یک هویت قومی) یا خوشه خود را سیاسی امنیتی کرده و امر اجتماعی را به سطح سیاسی و امنیتی تغییر دهند.

ب. علاوه بر سیاسی امنیتی کردن تمایز، حاملان شکاف‌های جدید (مانند نسل جدید) می‌توانند در مقابل گفتمان رسمی حکومت، آلترناتیوسازی و تولید تمایز نیز

بکند و با بهره گیری از فضاهاى پشتیبان (مانند محافل حقوق بشرى) ارزشهای شستی را ناکارآمد و فرسوده جلوه داده موجب گسست جامعه از حاکمیت بشوند. پ. گروههای متمایز به هر ترتیب قابل حذف و مهار نیستند. آنچه می ماند همزیستی و شناسایی سیاسی در سطح معقول است. مقصود از سطح معقول این است که گروه متمایز (مثلاً خوشه کمتر برخوردار یا زنان و اقلیت) بتواند نسبت به بقای وجودی، تکریم هویتی و ارزشهای متمایز خود اطمینان حاصل کند. گفتنی است هرگونه پیوند و انسجام، هنگامی دست می دهد که نسبت به مشروعیت یک قوه عالیه ایمان و ايقان وجود داشته باشد.

ثانیاً در دنیای کنونی بخاطر غیراقتصادی، غیراخلاقی و غیرقانونی شدن جنگهای بین کشوری، بهره گیری از هویت ها و شکافهای متمایز کننده به ابزاری جهت گرفتن امتیاز جنگی و نیز بازیگران متخصص بدل شده است. (Griffiths, 2005, 411) رونق جنگ های نیابتی، گروههای استیجاری و تروریستی به همین خاطر فزونی یافته است. از این رو ایجاد شکاف جدید و سیاسی امنیتی کردن شکافی از پیش موجود، می تواند گامی و راهی باشد برای گرفتن امتیازاتی که قبلاً از طریق لشکرکشی گرفته می شد.

پی نوشت

- ۱ از آن لذت می برم؛ حس می کنم با دیگران فرق دارم؛ فکر می کنم امری فاخر و متعالی است؛ با کلاس به نظر می رسد.
- ۲ به رشد آگاهی و دانشم کمک می کند؛ موجب دسترسی سریع تر و آسان تر به اطلاعات می شود؛ برای پر کردن اوقاتم از آن استفاده می کنم.
- ۳ به شخصیت ها و آرمان های ایده آلم نزدیک تر می شوم؛ حس می کنم خودم هستم؛ دوستانم مرا بیشتر تأیید می کنند.
- ۴ هدف خاصی ندارم؛ به شکلی اتفاقی از آن استفاده می کنم.

کتاب نامه

- آزر؛ مون، ادوارد؛ چونگ این (۱۳۷۹) «مشروعیت، یکپارچگی و توان سیاست سازی: وجه نرم افزاری امنیت ملی جهان سوم»، در: امنیت ملی در جهان سوم، ترجمه ناشر، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۴). جامعه شناسی سیاسی: نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی. تهران: نشر نی.
- بنت، اندی (۱۳۸۶). فرهنگ و زندگی روزمره. ترجمه لیلا جوافشانی و حسن چاوشیان. تهران: نشر اختران.
- بوردیو، پیر (۱۳۸۰). نظریه کنش: دلایل عملی و انتخاب عقلانی. ترجمه مرتضی مردیها. تهران: نقش و نگار.

شکاف‌های اجتماعی نوپدید و تحلیل مشروعیت سیاسی؛ با تمرکز بر ... ۹۹

- جلایی چور ، حمید رضا ، جامعه شناسی ایران ، جامعه کثر مدرن ، تهران : علم ، ۱۳۹۲ .
- رضایی ، محمد ، شکافهای اجتماعی در ایران ، تهران ، آگه ، ۱۳۹۴ .
- زارع؛ فلاح، بیژن؛ مهدی (۱۳۹۱) «بررسی سبک زندگی جوانان در شهر تهران و عوامل مؤثر بر آن»، فصلنامه علمی- پژوهشی تحقیقات فرهنگی، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، دوره پنجم، شماره ۴، صص ۱۰۵-۷۵.
- سیف زاده، حسین (۱۳۸۸) پانزده مدل نوسازی، توسعه و دگرگونی سیاسی، تهران: قومس.
- شورای نویسندگان (۱۳۹۱) سالنامه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران: تحولات راهبردی ۱۳۹۱ و چشم انداز ۱۳۹۲، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- شورای نویسندگان (۱۳۹۳). سالنامه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران: تحولات راهبردی ۱۳۹۳ و چشم‌انداز ۱۳۹۴. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- عالم، عبدالرحمن (۱۳۸۶) بنیادهای علم سیاست، تهران: نشر نی.
- غفاری؛ زرین کاویانی، مسعود؛ بهروز (۱۳۹۰) «بررسی روند مشارکت شهروندان استان کردستان در انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۴-۱۳۷۶»، فصلنامه ژئوپلتیک، سال هفتم، شماره اول، صص ۱۱۰-۸۸.
- کاتوزیان ، همایون ، ایران ، جامعه کوتاه مدت ، تهران ، نی ، ۱۳۹۲ .
- کامل السعید، مصطفی (۱۳۸۳) « مشروعیت و امنیت در کشورهای عربی »، در: مارتین، لی نور جی، چهره جدید امنیت در خاورمیانه، ترجمه قدیر نصری، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- گروه مطالعاتی امنیت (۱۳۸۷) تهدیدات قدرت ملی؛ شاخص‌ها و ابعاد، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
- مارتین، لی نور جی (۱۳۸۳) چهره متغیر امنیت در خاورمیانه، ترجمه قدیر نصری، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۰). گزارش نتایج آمارگیری از کاربران اینترنت در سال ۱۳۸۹. تهران: کتابخانه دیجیتال مرکز آمار ایران. در:
- معین، محمد (۱۳۷۱) فرهنگ فارسی معین. جلد . تهران: امیرکبیر.
- http://lib.sci.org.ir/DiglibGuest/WebUI/FullRecord.aspx?doID=1992&_hk=0&lang=fa&_mode=1
- مرکز آمار ایران. برآورد تعداد جمعیت کل کشور از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰. در:
- http://www.amar.org.ir/Portals/0/Files/baravord/baravord_35-90.xlsx
- مرکز آمار ایران. برآورد جمعیت کل کشور به تفکیک مناطق شهری و روستایی و جنس از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۰. در:
- http://www.amar.org.ir/Portals/0/Files/baravord/b_keshvar_85-90.xlsx
- مرکز آمار ایران. میزان باسوادی جمعیت ۶ ساله و بیشتر کشور از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰. در:
- http://www.amar.org.ir/Portals/0/PropertyAgent/461/Files/2858/basavadi_6sale-kol.xls

نصری، قدیر (۱۳۹۰) *درآمدی نظری بر امنیت جامعه‌ای: مفاهیم، مؤلفه‌ها و نظریه‌ها*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۰). *سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی*. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: نشر علم.

هیوود، اندرو (۱۳۸۹) *مقدمه نظریه سیاسی*، ترجمه عبدالرحمن عالم، چاپ سوم، تهران: نشر قومس.

Bashireyeh , Hossein , “Cleavages in Iranian Politic Since 1979 “ published in :
Diamond , Larry & Mlani , Abbas , *Politics and Culture in Contemporary Iran :
Challenging the State quo* ,(eds) New York : Lynne Reinner pub, 2015 , pp 15-35.

Bayat , Asef, (2010) , *Life as Politics : How Ordinary People Change the Middle East* ,
Amsterdam University Publishing.

Crane , Keith et al , *Iran political , Demographic and Economic Vulnerabilities* , usa ,
Rand publishing , 1997.

Diamond , Larry & Mlani , Abbas , *Politics and culture in Contemporary Iran
:Cchallenging the State quo* ,(eds) New York : Lynne Reinner pub, 2015.

Griffiths , M,(2005), (ed) , *Encyclopedia of International Relations and Global Politics* ,
London & New York , Routledge.

Jonathan , (ed) , *Oxford Advanced Dictionary* (1998), Oxford University Press.

Lipset, Simon. M. (1967) *Party Systems and Voter Alignments*, Free Press, New York.